



کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرده مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آنرا یافته است! چه کسانی از خوارج بدترند؟

کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرده مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آنرا یافته است! چه کسانی از خوارج بدترند؟

خبرگزاری مهر - امام علی(ع) در خطبه شصت و یکم نهج البلاغه می فرماید: «بعد از من با خوارج نبرد نکنید و تنها توجه شما به از میان بردن حکومت بنی امیه باشد، زیرا کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرده مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آنرا یافته است!«

دستور امام(ع) به نکشتن خوارج بعد از خودش به خاطر این است که آنها خیال می کردند وظیفه دینی آنها خروج از اطاعت امام(ع) بوده است. بنابراین پس از او اگر نبردی کنند با دستگاه حکومت‌های غاصب است، لذا نباید آنها را کشت، ولی معاویه که به دنبال باطل رفته و به آن رسیده در هر حال باید با او مبارزه کرد، اما مبارزه خود با آنها به خاطر این بود که آنها با حکومت حق به مبارزه برخاسته بودند.

ابن ابی الحدید می گوید: از نظر اصحاب ما(معتزله) معاویه ملحد و بی دین است و اعتقادی به نبوت پیغمبر(ص) نداشته است، وی سپس برای گفته خود استدلال می کند و از جمله جریان «مطرف بن مغیره« را شاهد می آورد که او گفته است: پدرم نزد معاویه رفت و آمد داشت و همیشه از عقل و فهم او برایم سخن می گفت، ولی شبی او را هنگامی که از خانه معاویه بازگشته بود سخت پیریشان دیدم، علت را جویا شدم. گفت: پسر! از نزد کافرترین و خبیث‌ترین مردم بازگشته‌ام، پرسیدم چطور؟ در پاسخ گفت: امشب در خلوت به معاویه گفتم به هر کجا می خواستی رسیده ای خوب است عدالت را آشکار کنی و خیر و نیکی را بسط دهی و به برادرانت از بنی هاشم توجهی نمائی وصله رحم را انجام دهی چه اینکه دیگر تو از آنها وحشت نداری. این خود ثواب دارد و همیشه ذکر تو بر سر زبانها خواهد بود.

معاویه در پاسخ می گفت: «هیئات! هیئات! ای ذکر ارجو بقائه؟ ملک اخو تیم فعدل و فعل ما فعل فما عدی ان هلك حتی هلك ذکره« امید به چه ذکر و یادی از خود داشته باشم، ابوبکر و عمر، آمدند و رفتند و یادی از آنها باقی نمانده اما «ابن ابی کبشه« (منظورش پیامبر(ص) است) همه روز پنج بار با صدای رسا نامش به هنگام اذان برده می شود و می گویند: «اشهد ان محمدا رسول الله« «فای عمل یبقی و ای ذکر یدوم بعد هذا لا ابالك لا و الله الا دفنا دفنا« بعد از نام محمد(ص) چه عملی باقی خواهد ماند و نام چه کسی بر سر زبانها خواهد بود، نه! تا نام محمد را همچون وجودش دفن نکنم دست بر نمی دارم! (ابن ابی الحدید، جلد 5، صفحه 129)

سپس وی اضافه می کند: اعمال مخالف و آشکار معاویه، از قبیل پوشیدن حریر ظرف و طلا و نقره، جمع آوری غنائم برای خود، اجرا نکردن حدود و مقررات اسلام درباره اطرافیان و کسانی که مورد علاقه اش بودند ملحق کردن «زیاد« را به خود، و او را برادر خود خواندن با اینکه پیغمبر(ص) فرموده بود: «الولد للفراش و للعاهر الحجر« فرزند به همسر ملحق می شود و سهم زنکار سنگسار شدن است، کشتن «حجر بن عدی« و یاران پاک او، توهین به ابوذر و او را سوار بر شتر برهنه کردن و فرستادنش به مدینه، ناسزا گفتن به امیرمؤمنان(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و ابن عباس بر روی منابر، ولیعهد قرار دادن یزید شراب‌خوار و قمارباز و... همه و همه اینها دلیل کفر و الحاد اوست.

«ابو درداء« می گوید: به معاویه گفتم از پیغمبر(ص) شنیدم هر کس از ظرف طلا و نقره بیاشامد، آتش جهنم درونش را فرا خواهد گرفت. معاویه گفت: «اما انا فلا اری به باسا« اما من برای آن ایرادی نمی بینم. ابو درداء پاسخ داد: عجب! من از پیامبر(ص) نقل می کنم. او رأی شخصی خود را اظهار می‌کند! من دیگر در سرزمینی که تو هستی نخواهم ماند! (شرح ابن ابی الحدید، جلد 5 ص 130)

معاویه که بود؟

کنیه او ابوعبدالرحمان بود. پدرش، صخر بن حرب، معروف به ابوسفیان که جنگ‌های متعددی را علیه رسول خدا(ص) به راه انداخت و مادرش هند، معروف به هند جگرخوار بود. معاویه پنج سال پیش از بعثت رسول خدا(ص) در مکه به دنیا آمد. چون مادرش بدکاره بود، هنگام تولد درباره اینکه پدر او کیست اختلاف شد. به هر حال هند همسر رسمی ابوسفیان بود و به همین دلیل معاویه را به ابوسفیان نسبت دادند و بر این اساس وی از بنی امیه به شمار آمد.

نگاهی به نژاد و قبیله معاویه، پدر و مادر و برادران و خواهران معاویه، وضعیت خانوادگی او را روشن می‌کند. معاویه تا پیش از فتح مکه از دشمنان سرسخت رسول خدا(ص) به شمار می‌آمد. پس از فتح مکه همراه با پدر و برادرش، یزید بن ابی سفیان، به ظاهر مسلمان شد و در شمار طلقا (آزادشدگان حضرت محمد(ص)) قرار گرفت. پس از رحلت رسول خدا(ص) به خدمت خلیفه درآمد و در سال 12 هجری همراه برادر بزرگ‌ترش یزید، در لشکر اعزامی به سوی شام قرار گرفت. پس از مرگ برادرش، از سوی عمر جانشین برادر و حاکم دمشق گردید (سال 18 ه)

با به قدرت رسیدن عثمان، معاویه نیز همانند دیگر بنی امیه از قدرت و امکانات بیش‌تری برخوردار شد. همه بخش‌های سرزمین شام در اختیار او قرار گرفت و بر قلمرو حکومتش افزوده شد. معاویه پس از دستیابی به قدرت، با تبلیغ افتخارات ساختگی، برنامه سیاسی خاص خود را برای حفظ قدرت و توسعه آن برای پیمودن راه دشوار خلافت تنظیم کرد. این برنامه عبارت بود از: تشکیل ارتش نیرومند و ناآگاه، تبلیغات، نیرنگ و فریب، موروثی کردن خلافت و ...

پس از ماجرای قتل عثمان، معاویه شعار خون‌خواهی عثمان سر داد و به این بهانه رو در روی علی(ع) ایستاد و جنگ صفین را به راه انداخت. پس از شهادت حضرت علی(ع) به سوی عراق لشکر کشید؛ اما با توجه به شرایط نامساعدی که پیش رو داشت و از خطر حمله روم نیز در امان نبود، به امام حسن مجتبی(ع) پیشنهاد صلح داد. امام حسن(ع) نیز به جهت نداشتن یاور و برای حفظ مصالح اسلام پیشنهاد او را پذیرفت. به دنبال صلح امام حسن، در سال 41 هجری که عام الجماعة نام گرفت معاویه رسماً بر کرسی خلافت تکیه زد و بر همه سرزمین‌های اسلامی حاکم شد.

معاویه دارای چند همسر بود که یزید از یکی از آنان به نام میسون (دختر بحدل کلبی) متولد شد. وی در سال‌های پایانی عمر برای فرزندش یزید از مردم بیعت گرفت. مرگ معاویه در رجب سال 60 هجری در سن 78 سالگی و در دمشق واقع شد.

رذائل معاویه قابل شمارش نیست. ویژگی‌های ظاهری معاویه و ویژگی‌های اخلاقی معاویه و ویژگی‌های دینی معاویه از نظر ارزشی، سراسر منفی است. طبقه اجتماعی معاویه نیز چنین بود. او از زبان خدا و رسول ملعون است و شجره ملعونه که در قرآن آمده به دودمان معاویه تفسیر شده است.

روزی رسول خدا(ص)، ابوسفیان را بر مرکبی سوار دید که دو پسرش یزید بن ابی سفیان جلودار و معاویه از عقب مرکب را می‌رانند. حضرتش فرمود:

خدا جلودار و سوار و عقب‌دار را لعنت کند. رسول خدا به نقل از عبدالله بن عمر فرمود: شخصی می‌آید که بر دین اسلام نمی‌میرد، دیدیم معاویه آمد، معاویه به تصریح پیامبر(ص)، رهبر لشکر جنایتکاران است؛ زیرا پیامبر(ص) به عمار یاسر فرمود: «؛ای عمار! تو را گروه ستمکار می‌کشد«؛ و عمار در جنگ صفین توسط لشکر معاویه کشته شد. اطرافیان معاویه نیز گروهی از منافقان بودند.

معاویه شراب می‌خورد و به اسم اسلام حکومت می‌کرد. وی «؛یزید بن ابیه«؛ را که فرزند زنا بود و پدرش معلوم نبود، به پدرش ابوسفیان نسبت داد و او را «؛یزید بن ابی‌سفیان«؛ نامید.

او برای کشتن دوستان خدا غسل زهرآلود به کار می‌برد و می‌گفت: خدا لشکر فراوانی از غسل دارد. عده ای را برای غارت کردن و کشتن زن و فرزند و سوزاندن منازل مسلح کرده بود و در انواع حيله و دروغ استاد بود. وی خلافت مسلمین را بر پایه وراثت استوار کرد. دشمنی بنی امیه با خدا و رسول و کینه‌هایی که نسبت به رسول خدا و علی علیه السلام و اولادش داشتند، باعث شده بود که فقط به قتل و کشتار آنان بپردازند.

معاویه پس از شهادت علی(ع)، آن حضرت را روی منبرها لعن می‌کرد و ناسزا می‌گفت و شدیدترین شکنجه‌ها و عذاب‌ها را متوجه پیروان امام می‌ساخت و بزرگ‌ترین جنایات را مرتکب می‌شد. معاویه آن حضرت را لعنت می‌کرد و به فرمانداران و عمال خود دستور

داد در همه شهرها علی را لعنت کنند. این عمل تا سالیان دراز از قوانین بود و کسی نمی توانست از زیر بار آن فرار کند. نظر دیگران راجع به معاویه و همچنین سال شمار زندگی معاویه، شاهی بر کارنامه سیاه و ننگین زندگی اوست.

*منابع:

1- سایت بلاغ.نت

2- اسد الغابه 209/5 ، نقش عایشه در تاریخ اسلام جلد 5/3، تاریخ تحلیلی اسلام محمد رضی.

3- شیعه / زمامداران خودسر/ ص 65-96.